

## فصل اول / الف

### لوایح دفاعیه جلسه اول رسیدگی (ایرادات شکلی)

اهمیت قضاوت بلحاظ نقشی است که قاضی در اجرای عدالت و احقاق حق و نظم عمومی جامعه بر عهده دارد، در واقع جان و مال و حیثیت و شرف افراد اجتماع به دست قاضی سپرده و اوست که باید همواره خداوند را حاضر و ناظر بر تصمیمات خود بداند و این وظیفه سنگین و خطیر را در نهایت بی طرفی و مسئولیت پذیری به انجام برساند.

## مصادیق اصول حقوقی

### مفهوم و انواع اصول

**تعریف:** اصل عبارت است از ریشه، بنیاد و پایه هر چیز و در علم اصول به معنی قاعده، دلیل، ظاهر و استصحاب است. دستورالعمل شارع مقدس و قانونگذار در حالت شک و تردید بدون اینکه در دستور العمل جهت کشف از واقع ملحوظ باشد، قواعد وسیع حقوقی را اصل (principle) گویند. اصل گاه در مقابل ظاهر و دلیل و آماره به کار می‌رود، چنانکه آمده است.

(الاصل دلیل الادلیل)، اصل به این معنی را فرض قانونی و گاه اصول عملی گویند.

اصل عبارت از چیزی است که بدون ملاحظه جهت کشف از واقع و در مقام رفع شک و تردید تعیین تکلیف کرده و مثبت حکم یا موضوع خواهد بود.

تمثیلاً؛ اینکه ندانیم استعمال دخانیات حرام است یا خیر؟ با استعانت از اصل برائت حلیت آن را ثابت می‌کنیم یا اگر کسی یقین دارد که به دیگری بدهکار بوده است، ولی شک دارد که دین خود را اداء کرده است یا خیر؟ به موجب اصل استصحاب اشتغال ذمه او ادامه می‌یابد. یا اگر کسی در صحت عقد شک کند می‌گوییم اصل بر صحت آن است تا خلاف آن ثابت شود.

اصول جمع اصل است در فقه اصول در مقابل فروع به کار می‌رود و در علم اصول فقه قواعدی است که راجع به طرز استنباط و اجتهاد نسبت به احکام شرعی فرعی از ادله تفضیلی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) بحث می‌کند. اصول با ترکیب‌های زیر به کار رفته است اصول لفظی، عملی، فقهی، عقلی، حقوقی، محاکمات، محاکمات جزایی و حقوقی، محاکمات، محاکمات جزایی و حقوقی، و... نزدیک به یکصد و چهل اصل وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: اصل برائت، استصحاب، تخییر، اباحه، تسلیط، عدم، حلیت، حریت، حاکمیت اراده، صحت، عدم تبرع، اصل طریقت، اصل شخصی بودن مجازات، عدم نسخ، عدم حادث، علنی بودن دادرسی، اصل لزوم، جواز، قانونی بودن مجازات، اصل غیر امری بودن قانون، اصل حکومت قانون، اصل عدم تأثیر قانون نسبت به گذشته، اصل مساوات و برابری در مقابل قانون، اصل نسبیّت در تعهدات و عقود، اصل نسبیّت در احکام، اصل بر بقاء قانون، اصل بر منع شکنجه، اصل تفکیک قوا، اصل بر استقلال قوا، اصل بر عدم انتساب قول بر ساکت (لاینسب لساکت قول)، اصل بر منع داشتن بیش از یک شغل، اصل بر قائم به شخص بودن مسئولیت‌ها، اصل قابل تجدیدنظر بودن احکام و غیر قابل بودن قرارها، اصل بر غیر قابل فرجام بودن احکام و قرارها، اصل بر اعلامی بودن احکام، اصل بر غیر قابل استناد بودن ایرادات نسبت به اسناد تجاری، اصل بر عدم معافیت از هزینه دادرسی، اصل بر غیر مالی بودن دعاوی و مالی بودن و اخذ هر گونه وجه مستلزم نص قانون است، اصل بر مصونیت پارلمانی، اصل طریقی بودن نظر کارشناسی، اصل بر استقلال امضات در اسناد تجاری، اصل بر عدم اشتراک، اصل بر عدم جریان مرور زمان، اصل بر نظارت استطلاعی، اصل بر عدم استماع دعوای جدید در مرحله تجدیدنظر، اصل تناظر در دادرسی و... در گستره‌ی حقوق و فقه هیچ موضوعی به ارزش و اهمیت شناخت اصول، تمیز آن از فروع نیست. ثمره و محصول قضاوت چه احقاق حق و یا ابطال باطل و اعلام بطلان و چه فصل خصومت و یا سازش باشد مستلزم شناخت اصول است، اصول است که دادرس و داور را از انحراف فرعی و ناشناخته نجات می‌دهد. شناخت اصول همیشه ساده و روشن نیست و گاه پس از شناخت آنها به کارگیری و فهم حدود و قلمرو آن را مستلزم ممارست است.

اصل (عملی) عبارت از معیار و ملاکی است که قانون آن را در اختیار دادرس قرار می‌دهد تا هر گاه به فقدان یا نارسایی ادله مواجه شد برای حل و فصل دعوا آن را به کار برد، استفاده از اصل عملی نیاز به درخواست اصحاب ندارد و تحصیل دلیل محسوب نمی‌شود.

اصل ۱۹۷ ق.آ.د.م. «در صورتی که حق یا دینی بر عهده شخص ثابت شد اصل بقاء آن است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.»

ماده ۱۹۸ ق.آ.د.م. «اصل برائت است، بنابر این اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم به برائت صادر خواهد شد.»

اداره حقوقی در نظریه شماره ۷/۹۴۰ مورخ ۸۰/۵/۱۶ چنین گفته است: ماده ۱۹۷ ق.آ.د.م. ناظر به مسائل حقوقی است نه کیفری، برای کسری قواعد مربوط به دعاوی حقوقی در دعاوی کیفری فعلاً مجوز قانونی موجود نیست. بنابر این در کلیه دعاوی بدوی بینه و دلیل اصل بر براءت است در صورت فقد دلیل کافی علیه متهم دادگاه بایستی حسب مورد اقدام به صدور قرار منع پیگرد یا حکم براءت نماید.

ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م. «در کلیه امور حقوقی دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا هر گونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد».

ماده ۸ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری ۱۳۵۶ سابق نیز مقرر می‌داشت: «در رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی ارزش و موعد اقامه دلیل برای اصحاب دعوا همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده ولی دادگاه می‌تواند هر گونه تحقیق و یا اقدامی را برای کشف واقع به عمل آورد در مواردی که بر دادگاه معلوم نباشد استناد یا تقاضای یکی از طرفین مؤثر در اثبات ادعا نیست دادگاه می‌تواند با استدلال از ترتیب اثر دادن به آن خودداری کند».

نظریه شماره ۷/۸۱۹۴ مورخ ۸۴/۱۰/۹ اداره حقوقی قوه قضائیه چنین اشعار دارد: «با لحاظ و اطلاق ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م. کلیه اقدامات که برای کشف واقع به عمل آورد در مواردی که بر دادگاه معلوم نباشد استناد یا تقاضای یکی از طرفین مؤثر در اثبات ادعا نیست دادگاه می‌تواند با استدلال از ترتیب اثر دادن به آن خودداری کند».

نظریه شماره ۷/۸۱۹۴ مورخ ۸۴/۱۰/۹ اداره حقوقی قوه قضائیه می‌گوید: «با لحاظ و اطلاق ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م. کلیه اقدامات که برای کشف واقع و احراز حقیقت به نظر دادگاه مؤثر واقع شود مثل تحقیق محلی و معاینه محل یا جلب نظر کارشناسی هر چند که اصحاب دعوا به آنها استناد نکرده باشند دادگاه می‌تواند رأساً آنها را اجرا نماید. گرچه عمل دادگاه به نظر تحصیل دلیل به شمار می‌رود ولی چون به منظور احراز واقع و کشف حقیقت انجام شده است نه به حمایت از اصحاب دعوا لذا خروج قاضی از بی‌طرفی تلقی نمی‌گردد برای هر گونه تحقیق و اقدامی مجاز شناخته شده است».

چگونه می‌توان بین اصل بی‌طرفی و اصل منع تحصیل از یک طرف با هر گونه تحقیق یا اقدامی برای کشف حقیقت موضوع ماده ۱۹۹ جمع کرد؟

۱. ارائه و ذکر دلیل به عهده مدعی است (بند ۶ ماده ۵۱ ق.آ.د.م..).

۲. قضات موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر یا فصل خصومت نمایند.

۳. ادله اثبات دعوا احصاء شده است.

۴. فقط در مورد معاینه محل و تحقیق محلی و ارجاع به کارشناس دادرسی می‌تواند رأساً ارجاع به کارشناسی یا قرار معاینه محلی و تحقیق محلی صادر کند و همچنین در مورد اصل عملی دادرسی می‌تواند بدون نیاز به تقاضا اصحاب دعوا به آن استناد نماید.

۵. هر گونه تحقیق و اقدامی به سه دسته تقسیم است:

الف) هر گونه تحقیق و اقدام راجع به صحت و سقم و چگونگی دلیل ابرازی طرفین

ب) هر گونه تحقیق و اقدام علاوه بر ادله ابرازی در محدوده کارشناسی و معاینه اصول عملی و حقوقی

ج) هر گونه تحقیق و اقدام فراتر از کارشناسی و معاینه محل و تحقیق محلی و اصول عملی و قانونی

به نظر می‌رسد بند الف) و ب) منافاتی با اصل تحصیل نداشته باشد ولی بند ج) مغایر اصل مزبور و مغایر با اصل بی‌طرفی و سایر اصول محاکماتی و با تفسیر محدود در قوانین است، چه در ماده ۳۵۸ ق.آ.د.م. ۱۳۱۸ آمده بود: «هیچ دادگاهی نباید برای اصحاب دعوا تحصیل دلیل کند و فقط باید به همان ادله‌ای رسیدگی کند که اصحاب دعوا اقامه کرده‌اند. رسیدگی به دلایلی که صحت آن بین طرفین مورد اختلاف و مؤثر در تصمیم نهایی باشد در جلسه دادرسی به عمل می‌آید مگر در مواردی که قانون طریق دیگری معین کرده باشد».

ارزش و موعد اقامه دلیل برای اصحاب دعوا همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده و در ذیل آن دو مطلب را تبیین می‌نماییم: «یکی دادگاه می‌تواند هر گونه تحقیق و یا اقدامی را برای کشف واقع به عمل آورد» دوم: «در مواردی که بر دادگاه معلوم باشد استناد یا تقاضای یکی از طرفین مؤثر در اثبات ادعا نیست که می‌تواند ترتیب اثر ندهد.»

در قانون آیین دادرسی ۱۳۷۹ صدر ماده ۳۵۸ مصوب ۱۳۱۸ حذف و فقط قسمت پایانی آن در شکل ماده ۲۰۰ ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ که مقرر می‌دارد: «رسیدگی به دلایلی که صحت آن بین طرفین مورد اختلاف و مؤثر در تصمیم نهایی می‌باشد در جلسه دادرسی به عمل می‌آید مگر در مواردی که قانون طریق دیگری معین کرده باشد.»

و همچنین در قسمت میانی ماده ۸ قانون اصلاح در قالب ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م. آمده است: قسمت صدر و پایانی نیز حذف شده است. در اینجا به ناچار باید از قاعده (سکوت) و اصل (بقاء) و تفسیر (محدود) و همچنین در قواعد شکلی استفاده کنیم تا بتوان یک تعارض بین اصل (منع تحصیل) و هر گونه اقدام و تحقیق را رفع نمائیم. ماده ۲۰۰ و ۲۰۱ وارد بر ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م. شده و دامنه شمول آن را محدود نموده است و فقط در خصوص معاینه محل و تحقیق محلی خارج از دادگاه قابل اعمال است.

#### آیا منظور از امور حقوقی همان دعاوی حقوقی است؟

امور جمع امر است و امر و در مقابل نهی و به معنی دستور می‌باشد امر در فقه بر دو قسم:

**الف) وجوب ب) استحبابی و در حقوق عبارت از دستور و الزام قانونی است:**

امور به معنی شئون و مطالب است که در اصطلاحات امور اداری، امور حسبی، امور سیاسی، امور عمومی و امور حقوق و امور راجع به ترکه و غیره بکار رفته است معلوم نیست قانونگذار در اینجا منظور شئون و مطالب مربوط به امور حقوقی در مقابل امور کیفری است یا مقصودش دعاوی حقوقی در مقابل دعاوی کیفری است.

#### آیا کشف واقع همان کشف حقیقت است یا با یکدیگر فرق می‌کند؟

کشف واقع مبین آماره است زیرا آماره از این جهت حجت است که نوعاً (کاشف از واقع) است اعم از حکم یا موضوع، مانند حجیت خبر واحد که یک آماره حکمی است و آماره ید؛ تصرفی که نوعاً کاشف از مالکیت است. اصول بر خلاف امارات برای کشف از واقع نیستند بلکه صرفاً برای رفع سرگردانی می‌باشند اعتبار اصل اعتباری ناپایدار است مانند براءت، استصحاب، تخییر و احتیاط.

اصل نیز مانند آماره هم در شبهه حکمی اگر ظرف را شک کنیم آب است یا شراب در اینجا اصل براءت می‌گوید نوشیدن آن اشکال ندارد اگر بدانیم و مطمئن باشیم از دو بطری یکی شراب است و دیگری آب ولی ندانیم کدام یک شراب است در اینجا اصل احتیاط حکم می‌کند که از هر دو اجتناب کنیم و چنانچه تردید کنیم شنیدن موسیقی حرام است یا نیست شبهه حکمیه است ولی اگر بدانیم شنیدن موسیقی حرام است ولی این موسیقی را ندانیم می‌شود شبهه موضوعیه آیا کشف حقیقت همان کشف واقع است یا چیز دیگری است. حقیقت بر سه نوع است: ۱. حقیقت الحقیقه ۲. حقیقت واقعی ۳. حقیقت وهمی، کشف حقیقت حقیقی بر دادرس ممکن نیست چون نمی‌تواند عالم ثبوت و الست را کشف کند. دادرس فقط می‌تواند اگر تلاش کند کشف حقیقت واقع را بنماید که همان حقیقت قضایی و ظاهر امور وقایع و اعمال است که ممکن است مطابق با عالم ثبوت باشد یا نباشد.

#### راه‌های شناخت اصول

**الف) قانونگذار صراحتاً آن را بیان و یا در اصول قانون اساسی ذکر کرده باشد.** مانند اصل براءت موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی، اصالت لزوم ماده ۲۱۹ ق.م. اصالت صحت ماده ۲۲۳ ق.م. اصل تساوی ۱۹ قانون اساسی، اصل حمایت و برابری در مقابل قانون ۲۰ قانون اساسی، اصل ممنوعیت تفتیش عقاید ۲۳ قانون اساسی، اصل آزادی مصوبات ۲۴ قانون اساسی، اصل حق دادخواهی ۳۴ قانون اساسی، اصل منع اضرار به غیر ۴۰ قانون اساسی و سایر اصول قانون اساسی.

ب) از طرق کدهای قانونگذاری تمثیلاً آنچه را که قانونگذار در صدر ماده بیان کرده است دلالت بر اصل می‌نماید و آنچه را که ذیل ماده ذکر کرده مبین استثناء است بخصوص اینکه با ادات استثناء آورده باشد. مانند اصل ۲۲ قانون اساسی «حیثیت فسخ جان فسخ مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» اصل بر مصونیت است اگر قانون موردی را تجویز نکرده یا شک داشته باشیم، این اصل را جاری می‌کنیم یا مانند اصول ۳۲ و ۳۳ و ۳۷ قانون اساسی هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. هیچ کس را نمی‌توان تبعید کرد... مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد. هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. بنابر این در مقام تردید مطابق صدر این اصول عمل می‌کنیم که عمل است و همچنین ماده ۱۸۵ ق.م. که مقرر می‌دارد: «عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه» این ماده مبین اصل لزوم است حتی اگر در ماده ۲۱۹ ق.م. نیز صراحتاً اصالت لزوم را تبیین نمی‌کرد از این ماده می‌توانستیم این اصل را استنباط کنیم، ماده ۸۷۳ ق.م. نیز مقرر می‌دارد: «اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تأخر هیچ یک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند» ماده ۷۰۴ ق.م. «ضمنان مطلق محمول به حال است مگر آنکه به فرائین معلوم شود که مؤجل بوده است» سایر مواد قانونی که به این ترتیب و شکل تنظیم شده است دلالت بر بیان اصل و استثناء دارد. طبعاً صدر ماده را توسعه در تفسیر و ذیل آن را محدود و مضیق، تفسیر و استدراک می‌کنیم.

ج) راه دیگر برای شناخت اصل از فرع، «ماده» و «تبصره» است که ماده مبین اصل و تبصره بیانگر استثناء آن است.

د) راه دیگر برای شناخت اصل از فرع استفاده از قاعده غلبه است هر آنچه کثرت و غلبه داشته باشد حاکی از اصل و هر آنچه دارای چنین وصفی نباشد، استثناء و فرع را نشان می‌دهد، همین وضعیت در مورد قواعد نیز جاری است مانند قاعده فراش، تصرف موضوع ماده ۳۵ ق.م. و قاعده ید و... که غلبه دلالت بر آن دارد.

### مصادیق اصول حقوقی

۱- اصل برائت: (هر امری که توجه آن به شخص مستلزم نوعی زحمت یا زیان یا سلب آزادی و یا ایجاد مضیقه باشد در صورتی که توجه به آن به شخص، محل تردید باشد باید آن شخص را از آن زحمت مبری نمود زیرا بدون دلیل، قاطع، تحمیل زحمت به اشخاص روا نیست از این معنی به اصل برائت گویند.)

۲- اصل استصحاب: (در لغت به معنی همراه داشتن چیزی است، در اصطلاح عبارت است از رعایت وضع یقینی سابق که در بقاء آن شک و تردید شود.)

۳- اصل تأخر حادث: (ماده ۸۷۳ ق.م. «اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تأخر هیچ یک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند» تأخر حادث را استصحاب به تأخر حادث نیز می‌گویند اصل تأخر حادث در جایی مطرح می‌شود که وجود و تحقق دو حادثه در خارج مسلم است، اما در خصوص تقدم و تأخر این دو امر از حیث تاریخ وقوع اختلاف و تردید وجود دارد در اینجا آن حادثه‌ای که تاریخ وقوعش مجهول است را مؤخر فرض می‌کنیم زیرا دلیلی بر اینکه زودتر از حادثه معلوم باشد، نداریم به استناد اصل مزبور آن را مؤخر می‌پنداریم.

۴- اصل اباحه: اباحه چیزی به معنی اجازه تملک یا ارتکاب فعل یا مصرف و اخذ چیزی است و در اصطلاحات اباحه تملک و اباحه منافع به عوض به کار رفته است مانند اجازه تملک مباحات موضوع ۱۴۷ ق.م. یا اذن در نهادن سر تیر بر سر دیوار ماده ۱۲۰ ق.م..

۵- اصل حقیقت: در لغت امر موجود و با واقعیت را حقیقت گویند. در مقابل مرهوم و در اصطلاح استعمال لفظ در آنچه برای آن وضع شده (موضوع له) را حقیقت نامند. مانند استعمال لفظ شیر در معنی حیوان درنده و در خارج موضوع له مانند استعمال شیر در

مورد شجاع و دلیر را مجاز گویند. استعمال لفظ در معنی حقیقی نیاز به قرینه ندارد ولی در معنی محتاج به قرینه دلیل است و در جایی که قرینه و دلیلی وجود نداشته باشد آن را باید در معنی حقیقی دانست به اصل حقیقت یا اصالة الحقیقه تعبیر شده است.

۶- اصل لزوم: چون اکثر عقود با اراده یک جانبه قابل فسخ نمی‌باشد به همین جهت گفته شده اصل بر لزوم است، به عبارت دیگر صفت مشترک عقود که توسط یکی از طرفین امکان فسخ و انحلال نیست را اصل لزوم یا اصالة اللزوم گویند. (ماده ۱۸۵ و ۲۱۹ ق.م.)

۷- اصل تفکیک قوا: اصل ۵۷ قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه قضائیه، مجریه و قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آئینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می‌گردد» این اصل در عمل کم و بیش کلیت خود را از دست داد و مستثنیات قابل ملاحظه بر آن وارد شد چنانکه در اصل ۵۷ قانون اساسی انفصال و تفکیک قوا جای خود را به استقلال قوا داد.

۸- اصل صحت: در عقود و ایقاعات فرض قانون بر صحت آنها است مدعی فساد باید دلیل بر فساد اقامه کند اصل صحت در معاملات که اخص از عقود می‌باشد در ماده ۲۲۳ ق.م. آمده است از این معنی تعبیر به اصاله الصحه یا اصل صحت شده است و منظور از صحت یک عمل حقوقی یعنی اینکه آن عمل مطابق شرایط قانونی واقع شده است و به عبارت دیگر اینکه هر عقدی که واقع شده باشد و به عبارت دیگر اینکه هر عقدی که واقع شده صحیح است و مدعی بطلان و عدم نفوذ باید خلاف اصل صحت را ثابت کند.

۹- اصل شخصی بودن مجازات: چون هدف از اعمال مجازات اصلاح مجرم و جامعه است بنابر این مجازات باید مطابق و متناسب با وضعیت مجرم باشد به همین جهت برخی معتقدند منظور اصل شخصی بودن مجازات یعنی باید جزا مناسب با وضع مجرم باشد و مانند بیماران که برای هر یک مداوای خاصی در نظر بگیرند و بعضی دیگر منظور از اصل شخصی بودن مجازات باید به نحوی باشد که فقط شخص مجرم کیفر ببیند به خانواده و بستگان او نیز تحت تأثیر مجازات واقع شوند به نظر می‌رسد مفهوم اصل مزبور شامل هر دو برداشت باشد. (قاعده فقهی وزر)

۱۰- اصل عدم (عدم تبرع - عدم نسخ - عدم ارتفاق - عدم اجتهاد در مقابل نص - عدم الزام به سوگند در حدود - عدم تأخیر در اجرای حدود - عدم نقل - اصل عدم تقدیر - عدم تقیید - عدم اشتراک - عدم تشخیص - عدم معافیت و بخشودگی مگر به موجب قانون): (به معنی نبود و نیستی است و در اصطلاحات عدم عطف به ماسبق، عدم مهارت، عدم نفوذ، عدم النفع، عدم رشد، عدم تبرع به کار رفته است و منظور از اصل عدم عبارت است از اینکه اگر در اصل وجود چیزی شک و تردید داشته باشیم بنابر این عدم آن می‌گذاریم تا خلاف آن ثابت شود این را استصحاب عدم نیز گفته‌اند.)

۱۱- اصل عطف به ماسبق نشدن قانون: اثر قانون پس از تصویب و انتشار نسبت به آینده است. تأثیری نسبت به گذشته ندارد مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد. این معنی را اصل عدم عطف به ماسبق گویند.

۱۲- اصل علنی بودن دادرسی: اصل ۱۶۵ قانون اساسی

۱۳- اصل غیر امری بودن قانون: منظور از امر، دستور الزامی قانون را گویند و قانون امری قانونی است که اراده افراد بر خلاف آن بی‌اثر و بی‌اعتبار است در مقابل قانون تکمیلی، تفسیری و تخییری می‌باشد.

۱۴- فوریت خیار: یعنی بعد از علم صاحب حق خیار به وجود علت خیار مانند علم به غبن یا علم به عیب باید بلافاصله حق خیار خود را اعمال کند توسعه در اختیار فسخ مستلزم تصریح است. (خيارات در برابر اصل لزومند)

۱۵- اصل قانونی بودن جرم: یعنی جرم بودن یک عمل مستلزم تصریح قانون است قانون آن فعل را جرم شناخته باشد و برای مرتکب آن مجازات دیده باشد.

ماده ۲ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.» ماده ۱۸ آیین نامه دادسرا و دادگاه‌های ویژه روحانیت خلاف این اصل را تبیین داشته است چنانکه آمده: «هر فعلی یا ترک فعلی مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می‌گردد.»

تبصره: اعمالی که عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی باشد برای روحانیون جرم تلقی می‌شود. صرف نظر از اینکه جایگاه و قلمرو این آیین نامه محل اشکال و ایراد است. عبارات «احکام شرعی»، «اعمالی که عرفاً» «موجب هتک حیثیت روحانیت» و «انقلاب اسلامی» باشند «برای روحانیون» دارای ابهام اجمال و اشکال است. اصلاح و ایجاد ساختار قانونی، تفکیک جرایم از تخلفات صنفی و سایر جهات آن هم پس از سی و هشت سال از وقوع انقلاب امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱۶- اصل لاجرح یا (قاعده نفی عسر و حرج): نفی به معنی دور کردن، ضد ثابت، راندن و حرج به معنی تنگی، فشار و محدودیت لاجرح یعنی اعتراض و گناهی به او نیست. قاعده لاجرح و نفی عسر و حرج.

۱۷- اصل لاضرر یا (قاعده لاضرر و قانون): اصل ۱۹، ۲۰، ۵۶ قانون اساسی.

۱۸- اصل تساوی یا مساوات: (منظور از تساوی یا مساوات این است که افراد صرف نظر از جنسیت، طبقه، مذهب، اهلیت و سمت و شغل دارای حقوق و تکالیف یکسان باشند مانند عدم معافیت مالیاتی و یا عدم تشکیل دادگاه اختصاصی برای صنف خاصی و عدم وجود تبعیض در احراز مشاغل و مناصب و مانند آن.

اصل ۲۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

۱۹- اصل نسبی بودن قراردادها: منظور این است که تأثیر قراردادها و عقود نسبت به طرفین و قائم مقام آنها می‌باشد برخی از استثنائات وارده عبارتند از: معامله فضولی، اداره فضولی مال غیر، قرارداد ارفاقی، قرارداد دسته جمعی، در حقوق کار، تعهد به نفع ثالث.

ماده ۲۳۱ ق.م. مقرر می‌دارد:

«معاملات و عقود فقط درباره متعاملین و قائم مقام قانونی آنها مؤثر است مگر در ماده ۱۹۶ ق.م.»

۲۰- اصل نسبی بودن آراء: اثر آراء صادره نسبت به طرفین پرونده است و تأثیری بر اشخاص دیگری که دخالتی در پرونده نداشته‌اند نخواهد داشت.

ماده ۳۰۸ ق.آ.د.م. مقرر می‌دارد: «رأیی که پس از رسیدگی و خواهی صادر می‌شود فقط نسبت به خواه و واخوانده مؤثر است و شامل کسی که خواهی نکرده است نخواهد شد مگر اینکه رأی صادره قابل تجزیه و تفکیک نباشد که در این صورت نسبت به کسانی که مشمول حکم غیابی بوده ولی خواهی نکرده‌اند نیز تسری خواهد داشت. مواد ۳۵۹ و ۴۰۴ ق.آ.د.م. در حکم در سه ماده اگر در کلیات با ذکر یک ماده اصل نسبی بودن را تبیین می‌نمود و از جهات مختلف بهتر بود.

تمثیلاً: مقرر می‌داشت: «رأیی که در مرحله خواهی، تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی صادر می‌شود فقط نسبت به طرفین مؤثر است مگر در مواردی که رأی صادره قابل تجزیه و تفکیک نباشد.»

۲۱- اصل نفی سبیل یا قاعده نفی سبیل: نفی به معنی انکر، رد کردن و سبیل به معنی راه و روش است و منظور از نفی سبیل خودداری و جلوگیری از سلطه بیگانه بر مسلمین است.

قاعده نفی سبیل و اصول ۷، ۸۱، ۸۲، ۱۵۳ قانون اساسی و مواد ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ تبصره ۲ ماده ۹۸۷ ق.م.

۲۲- اصل عموم (اصاله العموم): عموم به معنی شمول و فراگیری است. در اصطلاح وصف عام را گویند و عام عبارت است از اسمی که در وضع واحد برای افراد بسیار وضع شده باشد مانند مردان، عموم در مقابل خصوص به کار می‌رود.

خاص عبارت از لفظی که دلالت بر قسمتی از افراد عام دارد. در قانون گاه موضوع حکم و علت آن را به طور عام بیان می‌کنند در این صورت آن حکم قابل تسری به سایر مصادیق را دارد و بالعکس اگر عمومیت علت استنباط نشود در این صورت دیگر نمی‌توان آن حکم را در سایر مصادیق جاری کرد.

عموم در اصطلاحات عموم بدلیت، عموم منزله و عمومی و خصوص مطلق، عموم و خصوص من وجه به کار رفته است.

(جعفری لنگردوی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۴۷۵)

۲۳- اصل عدم تقدیر: تقدیر به معنی اندازه گرفتن، اندازه چیزی نگاه داشتن، مقدر کردن و قضا و فرمان الهی و چیزی را خارج از کلام مقدر نمودن و منظور از عدم تقدیر یعنی اینکه خارج از کلام قانونگذار چیزی مقدر نشده است.

۲۴- اصل ظهور (اصاله الظهور): هر گاه دلالت یک عبارت بر قصد گوینده دارای دو یا چند احتمال باشد. آن عبارت را نسبت به یک معنی که در میان احتمالات متعدد زودتر به ذهن می‌آید را ظاهر گویند. به معنی پیدا و هویدا و آشکار و نمایان و خلاف باطن نیز آمده است و مقصود از اصاله الظهور این است که در تفسیر و استنباط از قانون و قراردادهای باید ظاهر عبارت و کلام مبنا قرار گیرد. به عبارت دیگر مقنن و همچنین قرارداد برای بیان نیت و مقاصد خود به ظاهر کلام عمل می‌کند به همین علت جهت کلام و نوشته گوینده یا نویسنده (له) یا (علیه) او استفاده می‌شود و شخص بر طبق (ظواهر) اقرار خود محکوم می‌گردد. در اصل ظهور کلام اتفاق نظر وود دارد اما در قلمرو دلالت آن اختلافی است.

۲۵- اصل اطلاق (اصاله الاطلاق): اطلاق یا مطلق در مقابل مقید به کار می‌رود و آن لفظی است که برای یک ماهیت وضع شده باشد و در عبارتی قرار گرفته باشد و بدون قرینه قابل انطباق بر تمام افراد متحد الجنس آن ماهیت باشد و آن را مطلق و هر گاه به کمک قرینه‌ای قابل انطباق بر تعدادی از افراد متحدالجنس آن ماهیت منطبق شود آن را مقید گویند.

۲۶- اصل عدم حجیت ظنون: ظن حالتی است نفسانی بین قطع و شک یعنی از شک بالاترو از یقین و قطع پایین تر. ظنون جمع آن است و در اصطلاحات ظن مطلق، انسدادی، خاص، غالب، متأخم به علم معتبره به کار رفته است. (پیشین)

۲۷- اصل قابلیت انتقال: منظور از قابلیت نقل و انتقال یعنی اموال که به موجب آن صفت آزادانه قابلیت تملیک و تملک را دارند. در حقوق تجارت در اسناد تجاری اصل بر قابلیت انتقال آنها به ظهر نویسی است و اگر شک کنیم آیا ظهر نویسی دلالت بر تضمین یا وکالت و نمایندگی در وصول دارد و یا انتقال اصل را بر (انتقال سند) می‌گذاریم.

۲۸- اصل بی‌طرفی قاضی و دادگاه: کسی را قاضی یا دادرس گویند که به شغل قضاوت و فصل خصومت اشتغال دارد و منظور از بی‌طرفی قاضی یعنی وضع دادرسی که از هر گونه طرفداری و دخالت در ارائه و ابراز دلیل و هویت و راهنمایی یکی از طرفین دعوا خودداری می‌نماید. به همین جهت هر گاه با یکی از طرفین پرونده نسبت خویشاوندی داشته باشد و یا جزء موارد مذکور شروط در ماده ۹۱ ق.آ.د.م. نباشد، فرض قانونگذار بر عدم بی‌طرفی تلقی می‌شود.

۲۹- اصل حاکمیت قانون: قدرت سیاسی دولت که در دست حکومت می‌باشد را حاکمیت گویند. استقلال مطلق و آن صفتی است که به موجب آن دولتی تحت سلطه دولت دیگر قرار نگرفته باشد و منظور از حاکمیت اراده استقلال و اختیار اراده طرفین در انعقاد قرارداد را نامند و حاکمیت قانون یعنی در روابط بین اشخاص قانون حاکم باشد. به عبارت دیگر صدور و انجام هر دستور و کار و اقدامی مطابق قانون را حاکمیت قانون گویند.

اصل نهم متمم قانون اساسی و اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۳۳، ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳۰- اصل تساوی نسبت به قانون: اصل ۱۹، ۲۰، ۵۶، قانون اساسی.

۳۱- اصل احتیاط: در لغت به معنی با جزم و تدبیر کار کردن، استواری کردن، پرهیز کردن، دور اندیشی، عاقبت اندیشی است و در اصطلاح اتخاذ شیوه و روشی است در مواقع شک و تردید که به نظر قانونگذار نزدیکتر باشد را احتیاط گویند. بر حسب تمثیل: نمی‌دانیم در زمان غیبت آیا باید نماز ظهر جمعه را دو رکعت خواند یا چهار رکعت.

۳۲- اصل منع شکنجه: اصل ۳۸ قانون اساسی

۳۳- اصل نسبیّت در معاملات: اصل نسبیّت در قراردادها

۳۴- اصل نسبیّت در احکام: اصل نسبیّت در آراء و مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ ق.آ.د.م.

۳۵- اصل ممنوعیت تفتیش عقاید: اصل ۲۳ قانون اساسی

۳۶- اصل آزادی مطبوعات و نشریات: اصل ۲۴ قانون اساسی

۳۷- اصل منع توقیف اشخاص: اصل ۳۹ قانون اساسی

۳۸- اصل غیر مالی بودن دعاوی.

۳۹- اصل منع وضع مالیات و عوارض مگر به موجب قانون:

اصل ۵۱ قانون اساسی: «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود. مگر به موجب قانون موارد معافیت بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص شود».

۴۰- اصل حق تحقیق و تفحص نمایندگان نسبت به تمام امور کشور:

اصل ۷۶ قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق در تمام امور کشور را دارد».



۴۱- اصل منع تحصیل دلیل: ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م. و ماده ۳۵۸ ق.آ.د.م. ۱۳۱۸، دادرسی شخص بی طرف است و هر گونه اقدامی که بیطرفی وی را نقض کند، محل عدالت است. لکن مواردی همچون تحقیقات محلی، معاینه محل و استماع گواهی و استناد به مواد قانون و قواعد و اصول حقوقی، گرفتن پرونده و مطالعه آن به دست آوردن و تحصیل دلیل محسوب نمی شود. در هر حال دادگاه نمی تواند بر خلاف دلایلی که صحت آنها را احراز کرده است حکم دهد؛ گرچه ترتیب رسیدگی و پذیرش دلایل مزبور منطبق با قوانین تشریفاتی نبوده باشد. (نظریه مشورتی اداره حقوقی ۱۳۵۲/۹/۲۲).

۴۲- اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات.

۴۳- اصل استقلال امضات در اسناد تجاری.

۴۴- اصل اعلامی احکام: حکم اعلامی یا کشفی حکمی است که اعلام وجود حقی را می کند مانند حکم به استحقاق وجه التزامی قرارداد بیان کرده است. حکم اعلامی را مسائل اعلانی قرار دارد. احکام اعلامی نیاز به صدور اجرائیه و ابلاغ آن است ولی احکام اعلانی ضرورتی به اجرائیه ندارد. احکام اعلامی فقط نسبت به طرفین و قائم مقام آنها مؤثر است ولی احکام اعلانی مانند حکم ورشکستگی علاوه بر طرفین نسبت به اشخاص ثالث نیز مؤثر می باشد.

۴۵- اصل قطعیت احکام.

۴۶- اصل حلیت: اصل در اشیاء حلال بودن است نه حرام بودن. اصله اباحه (الضرورات تبیح المحضورات).

۴۷- اصل طهارت: طهارت به معنی پاکی و پاک شدن است.

۴۸- اصل تخییر: هر گاه فرد مسلمان از وی ادله علم به تکالیف الزامی پیدا کند ولی نداند که آن تکلیف وجوب است یا حرمت می توان هر طور که دلخواه او است رفتار کند و این را تخییر یا اصل تخییر گویند.

۴۹- اصل آزادی اراده: حالتی است در انسان که به موجب آن شخص می تواند آن طور که اراده کند رفتار نماید و این در مواردی است که امر و نهی از جانب قانون وجود نداشته باشد.

۵۰- اصل تفسیری بودن قوانین و مقررات: اصل غیر امری بودن قانون، و آن قانونی است که آثار حقوقی عقد یا ایقاعی را که خود افراد در حین عقد یا ایقاع به آن توجه نداشته باشند را معین می کند.

۵۱- اصل بر عدم عطف قانون ماهوی به گذشته:

ماده ۴ ق.م. منظور از قانون ماهوی قانون موجد حق و تکلیف را گویند که در مقابل قانون شکلی می باشد.

۵۲- اصل عطف بما سبق شدن قوانین شکلی: قانون ماهوی

۵۳- صدر ماده مبین اصل است و ذیل آن استثناء.

۵۴- اصل بودن ماده و استثنائی بودن تبصره.

۵۵- اصل همکاری مشترک در قراردادهای اداری.

۵۶- اصل پذیرش تغییر شرایط در قراردادهای اداری.

۵۷- اصل حفظ موازنه مالی طرفین.

۵۸- اصل بر شخصی و مباشرت در انجام قراردادهای اداری.

۵۹- اصل بر حفظ منافع عمومی در قراردادهای اداری.

۶۰- اصل قابلیت انتقال حقوقی و تعهدات: اصل قابلیت نقل و انتقال.

۶۱- اصل سرعت در تجارت.

۶۲- اصل حفظ حقوق ثالث در روابط تجاری: ثالث کسی است که طرف قرارداد نمی باشد ولی این قرارداد نسبت به حقوق او مؤثر است و در قسمت اخیر ماده ق.ت. آمده است در قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

۶۳- اصل تناظر در دادرسی: تناظر به معنی به یکدیگر نظر کردن، نظر کردن، بهم نگرستن، با هم در امری گفتگو و جدال کردن است مناظره با هم داشتن و در آیین دادرسی یعنی در مقابل هر دلیل که ابراز می شود سخن طرف مقابل را نیز شنیدن را گویند.

۶۴- اصل منع جابه جایی قاضی بدون رضایت او: اصل ۱۶۴ قانون اساسی

۶۵- اصل علنی و با حضور هیأت منصفه بودن رسیدگی (دادسرا و دادگاه) به جرایم سیاسی و مطبوعاتی: اصل ۱۶۸ قانون اساسی

- ۶۶- اصل پذیرش بازنگری در قانون اساسی: اصل ۱۷۷ قانون اساسی
- ۶۷- اصل نفی سلطه جویی و سلطه پذیری و حفظ استقلال تمامیت ارضی: بند ج اصل دوم قانون اساسی
- ۶۸- اصل فقدان اعتبار مصوبات مجلس بدون وجود شورای نگهبان: اصل ۹۳ قانون اساسی
- ۶۹- اصل آزادی احزاب و جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی اقلیتهای دینی: اصل ۲۶ قانون اساسی
- ۷۰- اصل آزادی تشکیل جلسات اجتماعات و راه پیماییها، بدون حمل سلاح: اصل ۲۷ قانون اساسی
- ۷۱- اصل منع تعرض نسبت به جان، مال، حقوق و مسکن و شغل اشخاص: اصل ۲۲ قانون اساسی
- ۷۲- اصل بر رایگان بودن پرورش و آموزش عالی: اصل ۳۰ قانون اساسی
- ۷۳- اصل احترام به مالکیت قانونی اشخاص: اصل ۴۷ قانون اساسی
- ۷۴- اصل اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری: اصل ۶۱ قانون اساسی
- ۷۵- اصل منع تغییر در خطوط مرزی: اصل ۷۸ قانون اساسی
- ۷۶- اصل منع برقراری حکومت نظامی و در نتیجه نظامی کردن حکومت: اصل ۷۹ قانون اساسی
- ۷۷- اصل منع اخذ و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی مگر با تصویب مجلس: اصل ۸۰ قانون اساسی
- ۷۸- اصل منع استخدام کارشناسان خارجی مگر در موارد ضرورت و با تصویب مجلس: اصل ۸۲ قانون اساسی
- ۷۹- اصل حق اظهار نظر در همه مسائل داخلی و خارجی و مسئولیت بر تمام ملت: اصل ۸۴ قانون اساسی
- ۸۰- اصل شخصی بودن سمت نمایندگی و غیر قابل واگذاری به دیگری: اصل ۸۵ قانون اساسی
- ۸۱- اصل آزادی در اظهار نظر و رأی: اصل ۸۴ و ۸۵ قانون اساسی
- ۸۲- اصل عدم صلاحیت و منع توسعه اختیارات اشخاص حقیقی و حقوقی: صلاحیت عبارت از اختیار قانونی یک مأمور رسمی برای انجام اموری است که قانون معین نموده است مانند صلاحیت دادگاهها در رسیدگی که به صلاحیت ذاتی، محلی، نسبی، شخصی و اضافی تقسیم می‌شود در مقام شک صلاحیت وضع توسعه اختیارات است.
- ۸۳- اصل محدود بودن اختیارات و وظایف مجمع به وظایف ذکر شده: اصل ۱۱۲ قانون اساسی
- ۸۴- اصل منع صلح دعاوی و ارجاع به داوری مگر با تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس در مورد طرف خارجی با تصویب مجلس: اصل ۳۹ قانون اساسی
- ۸۵- اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم مگر در صلاحیت شخصی و اضافی و اعمال قواعد احاله: ماده ۱۰ تا ۲۵ ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ و ماده ۵۱ تا ۶۱ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ سابق
- ۸۶- اصل لازم الاجراء شدن قانون پس از ۱۵ روز از تاریخ انتشار: ماده ۲ و ۳ ق.م.
- ۸۷- اصل نفوذ قراردادهای خصوصی نسبت به طرفین در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد: ماده ۱۰ ق.م.
- ۸۸- اصل منع معامله نسبت به مال غیر مگر به عنوان ولایت، وصایت و یا وکالت: ماده ۲۳۱ و ۲۴۷ ق.م.
- ۸۹- اصل بر لاینسب لسالک قول (بر شخص ساکت قولی انتساب داده نمی‌شود): ماده ۲۴۹ ق.م.
- ۹۰- اصل منع رسیدگی به ماهیت هیچ دعوایی در مرحله بالاتر مگر به موجب قانون: ماده ۷ ق.آ.د.م.
- ۹۱- اصل تکلیف دادگاهها در رسیدگی به هر دعوا به طور خاص: ماده ۴ ق.آ.د.م.
- ۹۲- اصل تکلیف مجلس به تصویب قوانین به صورت عام و کلی: ماده ۶۲ تا ۹۹ قانون اساسی
- ۹۳- اصل قابل تجدیدنظر بودن احکام و غیر قابل تجدیدنظر بودن قرارها: ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م.
- ۹۴- اصل منع قابل فرجام بودن آراء (حکم و قرار): ماده ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون اساسی.
- ۹۵- اصل تبعیت تالی از عالی: ماده ۳۰ ق.آ.د.م.
- ۹۶- اصل تبعیت از دادنامه قطعی و توجه بر اعتبار امر محکوم بها و مختومه: بند ۶ ماده ۸۴ ق.آ.د.م.
- ۹۷- اصل سرزمینی بودن قوانین: ماده ۵ و ۶ و ۷ ق.م.
- ۹۸- اصل منع تبعید: اصل ۳۳ قانون اساسی
- ۹۹- اصل تأثیر عوامل فورس ماژور بر روابط حقوقی و قراردادهای.
- ۱۰۰- اصل رعایت شرایط عمومی پیمان و انجام مناقصه و مزایده در معاملات دولتی و اموال عمومی.

## «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / دعوی از طرف صغیر / محجور»

..... کلاس:.....  
 ..... تاریخ:.....  
 ..... صفحه:.....



ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...

سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خواننده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاریخ رسیدگی..... ساعت.....

**بخواسته: دعوی از طرف صغیر / محجور**

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم..... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

**ایراد / ایرادات شکلی:**

مطابق ماده ۹۵۸ ق.م.:

«هر انسانی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لکن هیچ کس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد» به این ترتیب اقامه دعوا یکی از مصادیق بارز اجرای حق است، در حقیقت یکی از شرایط اقامه دعوی اهلیت قانونی است.

شخصی که اقامه دعوا می نماید در صورتی «اهل» محسوب می شود که بالغ، عاقل، رشید باشد (ماده ۲۱۱ ق.م.) و حسب تبصره یک و دو (ماده ۱۲۱۰ ق.م.) سن بلوغ در پسر (پانزده) سال تمام قمری و در دختر (۹) سال تمام قمری است. اموال صغیری که بالغ شده در صورتی می توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد، با توجه به این مقررات و رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۰/۳ / ۱۳۶۴ هیأت عمومی دیوانعالی کشور و رویه قضائی شرایط اقامه دعوا را به سهولت می توان ترسیم نمود.

**در نتیجه:**

طرح دعوی از سوی خواهان که بعلت (صغر سن / محجور بودن) فاقد اهلیت است، فقدان محل قانونی برای پذیرش دارد.

**بنائاً به مراتب و معنونه در فوق:**

رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام  
 جعفر اخترنیا - وکیل خواننده

منظور از محجور شدن هر یک از اصحاب دعوا احتمال سفاهت، جنون و نیز احتمال ورشکسته شدن و زوال اهلیت استیفاست البته در مورد ورشکسته نسبت به امور مالی است.

## «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / صغر سن»



..... کلاس:.....  
 ..... تاریخ:.....  
 ..... صفحه:.....

ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...

سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خواننده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاریخ رسیدگی..... ساعت.....

**بخواسته: هر نوع دعوی مالی / غیر مالی**

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم..... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

**ایراد / ایرادات شکلی:**

عالی جناب، هر شخصی که به سن هجده سال تمام شمسی رسیده، دارای اهلیت قانونی است و هر نوع دعوایی اعم از مالی و غیر مالی می تواند طرح نماید مگر آنکه جنون یا عدم رشدش بموجب حکم دادگاه ثابت شود اما در فرضی که پسر و دختر، حسب مورد فقط به پانزده سال تمام قمری و نه سال تمام قمری رسیده باشند، بالغ محسوب می شوند و به طرح دعوای غیر مالی هستند، در این فرض مادامی که رشد آنها در محکمه به اثبات نرسد حق طرح دعوا در امور مالی را ندارند. اداره حقوقی در نظریه مورخ ۱۳۴۴/۴/۱۵ در این خصوص گفته است: «با توجه به ماده واحد قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ و مستفاد از ملاک آن، زنی که کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی را داشته باشد می تواند در مورد کلیه دعوای ناشی از نکاح و طلاق مستقلاً و شخصاً در محاکم مراجع صالحه طرح دعوا کند ولی صلح دعوای مالی مزبور باید با اجازه ولی یا قیم مشارالیه باشد.

مضافاً اقامه دعوا در امور مالی را محتاج به اهلیت قانونی و رشد اقامه کننده و بالغ غیر رشید را به جز در امور مالی در کلیه امور دارای اهلیت دانسته است، شکایت کیفری و تظلم به دستگاه قضاء در زمره این امور خواهد بود. مآلاً: با عنایت به صغر سن خواهان، اهلیت مشارالیه موجب عدم قابلیت استماع دعوی ایشان می گردد.

**بنائاً به مراتب و معنونه در فوق:**

رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام  
 جعفر اخترنیا - وکیل خواننده

نکته: در دادخواست و یا لوایح هرچه دارید ارائه دهید چه روز مبادائی برای ارائه دلایل تاکتیکی وجود نخواهد داشت.

## «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / مطالبه طلب / فاقد سمت»

کلاس:.....  
تاریخ:.....  
صفحه:.....



ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...

سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خوانده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاریخ رسیدگی..... ساعت.....

### بخواسته: مطالبه طلب

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم..... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

### ایراد / ایرادات شکلی:

سمت عنوان حقوقی است که به شخص این اجازه را می‌دهد تا به طرح دعوا بپردازد در حالیکه آن دعوا مربوط به شخص او نمی‌باشد، در حقوق تکلیف دادگاه در بررسی وجود یا عدم وجود سمت بعنوان شرط اقامه دعوا، زمانی به وجود می‌آید که درخواست رسیدگی را شخص حقوقی و یا شخص حقیقی (اصیل) مطرح نموده باشد، بنابر این فقط در مواردی که در خواست رسیدگی را شخص حقوقی و یا شخص حقیقی غیر اصیل تقدیم نموده باشد، دادگاه در مقام تشخیص قابلیت قبول یا رد دعوا می‌بایست سمت درخواست کننده را در کنار سایر شرایط اقامه دعوا مورد بررسی قرار دهد و در صورت عدم احراز سمت شخصی که اقامه دعوا نموده نسبت به صدور قرار رد دعوا اقدام نماید، در مانحن فیه سمت خواهان دعوی از نظر نگارنده محرز نمی‌باشد.

بنائاً به مراتب و معنونه در فوق:

رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام

جعفر اخترنیا - وکیل خوانده

با مطالبه یا سررسید شدن طلب مورد اطلاع مدیون وعدم پرداخت آن امتناع ازپرداخت ثابت می‌شود و چنانچه مدیون عدم پرداخت را ناشی از عوامل دیگری می‌داند که در حیطه توانایی‌های وی نبوده باید آن را اثبات نماید.

## «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / مطالبه اجرت المثل / فاقد سمت»



..... کلاس:.....  
 ..... تاریخ:.....  
 ..... صفحه:.....

ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...

سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خواننده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاریخ رسیدگی..... ساعت.....

**بخواستنه: مطالبه اجرت المثل ایام تصرف**

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم..... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

**ایراد / ایرادات شکلی:**

مفهومی که از سمت به دست می‌آید، در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به آن اشاره شده، حسب تمثیل در بند ۵ ماده ۸۴ قانون مذکور آمده است: «کسی که بعنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد» در این فرض از سوی خواننده می‌تواند مورد ایراد قرار گیرد، ضمانت اجرای آن در ماده ۸۹ قانون مزبور قرار رد پیش بینی شده است. بنظر نگارنده حتی اگر این مهم در جریان دادرسی مورد ایراد خواننده قرار نگیرد ادامه دادرسی محمل قانونی ندارد چه از عموماً مقررات مذکور به خصوص ماده (۲) این قانون به دست می‌آید کسی که در طرح دعوا سمت قانونی ندارد، لاجرم رسیدگی به آن دعوا از سوی دادگاه وجاهت قانونی نیز ندارد آنجا که قانونگذار می‌گوید: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوی را برابر با قانون درخواست نموده باشد. مآلاً: نگارنده نسبت به سمت خواهان محترم ایراد دارد.

**بنائاً به مراتب و معنونه در فوق:**

رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام

جعفر اخترنیا - وکیل خواننده

قواعد و اصول حقوقی (حُسنی) دارند که اذهان را از پراکندگی خلاص می‌کنند و عیبی دارند که اهل نظر می‌توانند آن را کش و قوس دهند.

**«نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / دادگاه حقوقی»**  
**«مطالبه بهای عادلانه زمین / فقدان سمت»**

کلاس:.....  
 تاریخ:.....  
 صفحه:.....



ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...  
 سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خواننده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاريخ رسیدگی..... ساعت.....

**بخواسته: مطالبه بهای عادلانه یک قطعه زمین**

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

**ایراد / ایرادات شکلی:**

بر اساس مواد ۱ و ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی، وکالت در محاکم محتاج به پروانه وکالت از کانون وکلای دادگستری است، بر اساس این مقررات فقط اشخاصی که صلاحیت آنها از طریق کانون وکلای دادگستری یا مرکز مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه موضوع آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران احراز شود حق وکالت دارند، لیکن در پرونده حاضر مشاهده می شود خواهان که پروانه وکالت ندارد، مبادرت به طرح دعوا نموده، بدیهی است، در چنین صورتی محاکم قادر به استماع دعاوی از سوی غیر وکیل و غیر اصیل نخواهند بود، در مانحن فیه وکالت ابرازی از سوی خواهان محترم در قالب «وکالت مدنی» قابل تعریف بوده و از شمول وکلای دعاوی خارج و قابلیت دخالت در دعاوی را ندارند.

**بنائاً به مراتب و معنونه در فوق:**

رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام  
 جعفر اخترنیا - وکیل خواننده

**توجه می دهد:** مبلغ حق الوکاله نیز باید در وکالتنامه قید و پنج درصد آن بابت علی الحساب مالیاتی تمبر الصاق و ابطال شود و چنانچه به این طریق عمل نشود وکالت وکیل با رعایت مقررات قانون مالیاتهای مستقیم (ماده ۱۰۳) در هیچ دادگاه و مرجع اختصاصی قابل قبول نخواهد بود.

## «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / ابطال معامله / فاقد سمت»

کلاس:.....  
تاریخ:.....  
صفحه:.....



ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...

سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خواننده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاريخ رسیدگی..... ساعت.....

### بخواسته: ابطال معامله

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم.... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

### ایراد / ایرادات شکلی:

نگارنده بر این اعتقاد است، دعوی خواهان برابر قانون طرح نشده است زیرا اعطای وکالت برای طرح دعوی در محاکم قضایی صرفاً به وکلای دادگستری امکان پذیر می‌باشد و اشخاصی غیر از وکلای دادگستری مگر در موارد استثنائی که قانونگذار تصریح نموده است توانائی قانونی جهت طرح دعوی در محاکم قضائی را ندارند در مانحن فیه آقای.... وکیل دادگستری نبوده و صرفاً وکیل مدنی محسوب می‌شوند در نتیجه، اهلیت قانونی برای طرح دعوی به وکالت از دیگری را در محاکم قضائی ندارد.

### بنائاً به مراتب و معنونه در فوق:

رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام  
جعفر اخترنیا - وکیل خواننده

### نکته:

چنانچه طرفین در اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری اختلاف داشته باشند دادگاه بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی و بدون نیاز به تقدیم دادخواست به این امر رسیدگی می‌کند که درخواست تعیین داور بر اساس توافق یا معامله می‌باشد یا خیر.



## «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / مطالبه دیه / فقدان سمت»

..... کلاس:.....  
 ..... تاریخ:.....  
 ..... صفحه:.....



ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...

سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خواننده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاريخ رسیدگی..... ساعت.....

**بخواسته: مطالبه دیه**

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم..... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

**ایراد / ایرادات شکلی:**

نگارنده معتقد است، دعوی خواهان برابر با قانون طرح نشده است زیرا اولاً خواهان «نماینده صندوق...» را طرف دعوی قرار داده است که ظاهراً مقصود وی بیمه... بوده است این در حالی است که صندوق موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری در شهرستانها دارای نمایندگی نمیباشد ماهیت تشکیل صندوق و شرکت بیمه... با هم متفاوت است و دو شخصیت حقوقی جداگانه می باشد، مضافاً بر اینکه اگر نمایندگی صندوق در استان... وجود داشت در این حالت نیز طرف دعوی قرار دادن نماینده صحیح نیست و باید اصیل طرف دعوی قرار گیرد چرا که نماینده دارای شخصیت حقوقی مستقل نبوده و مسئولیتی نیز در قبال تعهدات اصیل ندارد.

ثانیاً: بر اساس ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی طرح دعوی از جانب اشخاص ذینفع امکان پذیر است در موضوع مطروحه... طرح دعوی کرد این در حالی است که ذینفع از کارکنان... است نماینده حقوقی... در توجیه طرح دعوی از جانب... به قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۶ در شرح دادخواست خود استناد نموده در حالی که قانون مذکور ارائه خدمات حقوقی به کارکنان را تجویز نمودند و لا غیر.

**بنائاً به مراتب و معنونه در فوق:**

رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام  
 جعفر اخترنیا - وکیل خواننده

## «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / دادگاه حقوقی»

## «مطالبه طلب با اتیان سوگند / فقدان اختیار»

کلاس:.....  
تاریخ:.....  
صفحه:.....



ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...

سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خواننده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاریخ رسیدگی..... ساعت.....

### بخواسته: مطالبه طلب با اتیان سوگند

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم.... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

### ایراد / ایرادات شکلی:

هر چند در ماده ۳۵ ق.آ.د.م. وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی دانسته شده، لیکن در انتهای این ماده با آمدن قیودی از شمول عام این ماده کاسته شده برخی از اینها مانند: اقرار، سوگند، شهادت... اساساً قابل توکیل نیستند و برخی دیگر در صورت تفویض وکالت میبایست در وکالتنامه تصریح شوند، جالب آن است دامنه استثنائات به قدری گسترده است که می توان گفت: نسبت به شمول عام این ماده (تخصیص بر اکثر) است، به هر روی عدم درج بعضی از این اختیارات در وکالتنامه باعث می شود تا به جهت عدم تفویض اختیار (اتیان سوگند) و نداشتن سمت از سوی وکیل خواهان، دعوا قابلیت استماع نداشته باشد.

### بنائاً به مراتب و معنونه در فوق:

رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام

جعفر اخترنیا - وکیل خواننده

اصل برائت دلالت دارد که مدعی علیه بدون هیچ تکلیفی از مسئولیت مبراء است و اگر خواهان مدعی امری است باید آن را با دلیل ثابت کند و اگر خواننده ادعای خواهان را نفی کند و خواهان تقاضای اتیان سوگند نماید صدور حکم برائت منوط به سوگند خواننده است و تا زمانی که خواهان چنین امری را نخواهد، بدون قسم، خواننده از مسئولیت مبراست.

## «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / فقدان سمت نماینده حقوقی»



..... کلاس:.....  
 ..... تاریخ:.....  
 ..... صفحه:.....

ریاست محترم شعبه..... دادگاه حقوقی محاکم عمومی...

سلام علیکم - با احترام و جواز ناشی از یک برگ وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی ضمن اعلام وکالت از ناحیه خواننده دعوی آقای / خانم..... موضوع کلاس پرونده..... بتاريخ رسیدگی..... ساعت.....

**بخواسته: فقدان سمت نماینده حقوقی**

بدینوسیله و در مقام وکیل مدافع در برابر دعوی خواهان آقای / خانم..... با وکالت آقای / خانم..... خاطر عالی را به آگاهی میرساند، دعوی به کیفیت مطروحه، واجد ایراد شکلی «مؤثر» بوده، قبل از ورود در ماهیت دعوی تعیین تکلیف در مورد ایراد/ ایرادات شکلی و اعلام نتیجه تصمیم قضائی، به این کمترین مزید امتنان خواهد بود.

**ایراد / ایرادات شکلی:**

۱- صدر و ذیل ماده ۳۲ ق.آ.د.م. کاملاً گویای تفویض نمایندگی حقوقی از سوی عالیترین مقام اجرایی سازمانها یا قائم مقام قانونی آنان است، در این ماده از طرح دعوا گرفته تا دفاع و تعقیب دعوا، قابل تفویض به نماینده از سوی وزارتخانهها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی و... است.

۲- در عمل در طرح دعاوی از سوی سازمانها و وزارتخانه‌های دولتی دیده می‌شود، رؤسای ادارات شهرستانها فقط به استناد ابلاغ انتصاب به سمت ریاست اداره شهرستان به طرح دعوا می‌پردازند، در صورتی که مطابق مقررات این ماده برای طرح دعوا از سوی وزارتخانهها و مؤسسات دولتی تفویض نمایندگی از سوی عالیترین مقام اجرائی سازمان یا قائم مقام قانونی نیاز است.

۳- در این خصوص گفته شده: «معرفی نامه ارائه شده به مراجع قضائی باید مثبت انتخاب آنان توسط وزیر، رئیس موسسه، مدیر صاحب امضاء شرکت دولتی و... مستقیماً یا مع الواسطه باشد که در صورت اخیر، ادله مثبت نمایندگی شخصی که نماینده حقوقی را انتخاب نموده نیز می‌بایست سلسله وار به وزیر، مدیر شرکت، و... منتهی گردد در حقیقت اگر چه کارمندان رسمی اداره حقوقی می‌توانند بعنوان نماینده معرفی شوند، اما ادله مثبت نمایندگی شخص معرفی کننده به ترتیب مزبور نیز باید جهت اثبات سمت ارائه شود. هر چند شرایط نماینده حقوقی در ماده ۳۲ ق.آ.د.م. آمده و احراز آن به عالیترین مقام اجرائی محول شده و ایراد به آن را از سوی خواننده جایز ندانسته‌اند.

۴- تشخیص احراز شرایط مذکور در بندهای (۱) و (۲) ماده ۳۲ ق.آ.د.م. به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم مقام قانونی نهاد یا مؤسسه دولتی طرف دعواست، صرف معرفی نماینده حقوقی از طرف مقام‌های یاد شده برای دادگاه قابل پذیرش و قبول است، بر اساس این نظر ارائه معرفی نامه از سوی عالیترین مقام اجرائی مؤسسات و وزارتخانه‌های دولتی الزامی است، که در مانحن فیه وکالت نماینده حقوقی خواهان محترم فاقد اوصاف پیش گفته می‌باشد.

بنائاً به مراتب و معنونه در فوق: رسیدگی و اجرای ماده ۸۸ ق.آ.د.م. تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام  
 جعفر اخترنیا - وکیل خواننده